شاخصه های رستگاری

از دیدگاه

قرآن کریم



نویسنده : مهدی عارفی جو



بسم الله الرحمن الرحيم

شاخصه های رستگاری ازدیدگاه قرآن کریم

نویسنده:

مهدی عارفی جو

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شاخصه های رستگاری ازدیدگاه قرآن کریم

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی عارفی جو

چکیده

رستگاری از دیدگاه قرآن، دارای شاخصه‌ها و ملاک‌هایی می‌باشد که از میان آن‌ها، ایمان و عمل صالح از اهمیت بیشتری برخوردار است و در عین‌حال برای حصول به رستگاری مطلوب، وجود شاخصه‌های دیگری چون تقوا، نماز، زکات و... شرط لازم شمرده شده است.

آنچه که قرآن در نهایت عوامل و شاخصه‌های وصول به رستگاری معرفی می‌نماید، کسب رضایت الهی است که عالی‌ترین نوع رستگاری انسان را نیز شامل می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، شاخصه، رستگاری، سعادت، فوز، فلاح.

مقدمه

موضوع قرآن، انسان است؛ از هر جنس، نژاد و طبقه‌ای و در هر مکان و زمانی. این مهم، از خطاب‌های عام قرآن به خوبی استفاده می شود. چه اینکه واژه «ناس» که حدود ۲۴۸ بار، «ایَها الناس» ۲۱ بار، «یا بنی آدم» ۵ بار و «انسان» ۶۵ بار در قرآن آمده است. همان انسانی که خدا،او را جانشین خود در زمین، پذیرای امانت سنگین خداوندی، برخوردار از اندیشه و همراه با دانشی که می‌تواند حق را از باطل بازشناسد و خدا وی را محور عالم آفرینش و دارای کرامت معرفی کرده است.

باید گفت که هدف و غایت قرآن، فلاح انسان است. یکی از مباحث بنیادین در حوزه علوم اسلامی، ارزش‌گذاری اعمال و نیَات انسان در قالب نظام اخلاقی مبتنی بر جهان‌بینی الهی و مشتمل بر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها با هدف دستیابی و نیل به کمال مطلوب و درجات والای معنوی است.

این نوشتار درصدد بیان شاخصه‌ها و عوامل رستگاری و سعادت انسان از دیدگاه قرآن با هدف اراه الگویی قابل قبول در مباحث اسلامی برای کسانی که می‌خواهند راه سعادت را بپیمایند است.

شیوه تحقیق نیز به این صورت است که ابتدا واژگان مرتبط با رستگاری در قرآن را از نظر معنا و تعریف مورد مداقَه قرار گرفته و سپس بحث کوتاهی درباره سعادت و رستگاری و با بر شمردن ۲۰ شاخصه رستگاری از دیدگاه قرآن نوشتار ادامه می‌یابد.

شرح واژگان

فوز

اصل معنای واژه، به دست آوردن و برخوردار شدن از خیر و نعمت و سود گویند: فوز استفاده زیاد از خیر است (طوسی، ۱۰/۳۲۰)، فوز،آن سعادت بزرگ و رستگاری آشکار است (ابو حیان ۱۴۲۰ ق، ۳/۴۵۴) در معاجم لغوی برای واژه فوز، مفاهیمی از قبیل پیروزی، رسیدن به آرزو و نجات از شرو هلاکت اشاره کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۵/۴۵۶، فیومی ۱۴۰۵ ق، ۴۸۳، این منظور ۱۴۰۵ ق، ۵/۳۹۲)

در قرآن این واژه ۲۹ مرتبه به کار برده شده و این کلمه با اوصافی چون، مبین، عظیم و کبیر وصف شده است. منافقان فوز عظیم را در رسیدن به مال دنیا و به دست آوردن غنائم جنگی دانسته‌اند (نساء/۷۳) و در قرآن فوز به معنای مشمول رحمت خدا واقع شدن و خوشنودی او را کسب کردن است. (مائده/۱۱۹، نساء/۷۳، جاثیه/۳۰)، اصلاح اعمال (احزاب/۷۱)، بخشایش گناهان و ورود به بهشت (صف/۱۲، فتح/۵) محفوظ ماندن از هراس روز قیامت (نماز/۹) از دیگر معانی آنهاست.

فلاح

اصل معنای آن بدون در نظر گرفتن معادل‌های معنایی و کاربردی آن، شکافتن و جدا کردن است عده‌ای از دانشمندان می گویند. اصل فلاح جدا کردن است. (عکبری، ۲۷۷)، اصل فلاح شکافتن است. (بغدادی، ۱۴۱۵ ق:۱/۲۶)، اصل فلاح بقاء است (ابو الفتح رازی ۱۴۰۸ ق: ۱۳/۱۶۳)، فلاح ماندن در نعمت است (سمرقندی ۱/۲۴) یکی از واژگان متضاد با فلاح، خسر است خاسر کسی است که جان خودرا از بهره (فوز و فلاح) و سود رسانی به خود، کم و محروم کرده است. (شوکانی، ۱۴۱۴ ق: ۱/۶۹) عده‌ای فلاح را مقدم فوز دانسته‌اند. ابن جوزی در معنای حی علی الفلاح می گوید: معنای آن یعنی بشتابید به راه فوز و ورد به بهشت (ابن جوزی ۱۴۲۲ ق: ۱/۲۷)

در قرآن در ساختار اسمی و فعلی مجموعاً ۴۵ مرتبه فلاح به کار رفته است و از دیدگاه قرآن کسی که به فلاح دست یافته از مفلحین است. عالمان در معنای مفلحون چنین گفته‌اند: رستگاران به رسیدن ثواب خدا. (طبرسی، ۳/۱۷ و ۵/۳۱). یفلحون یعنی رستگاران به مقصودشان و این شامل معنای فلاح است. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق: ۲/۴۶۴)

سعادت

سعد اصلش دلالت دارد بر خیر و شادمانی و متضاد آن نحس است و سعد یعنی خوشی در کارها (طبرسی، ۳/۱۷ و ۵/۳۱)، سعد به معنای نیکو و خوش یمن، نقیض نحس و سعادت خلاف شقاوت است (ابن منظور ۱۴۰۵ ق: ۳/۲۱۲)، سعادت کمک خدا برای انسان است در رسیدن به خیر و متضاد آن شقاوت است. (انیس ابراهیم،۱۳۶۷ ش: ۱/۴۳) در اصطلاح سعادتمند کسی است که به کمال مطلوب خود رسیده باشد، از این‌رو، سعادت انسان عبارت است از کمال واقعی او، لذا کمال حقیقی برای انسان همان هدف واقعی است که به منظور رسیدن به آن آفریده شده و آن وصول انسان به خیر مطلق است.

نجات

نجات رهایی و خلاصی از موقعیتی نامطلوب است: (عسکری، ۱۴۰۰ ق، ۵۳۲). واژه نجات از واژگانی است که در قرآن به مفهوم رستگاری به کار رفته و معنای رایج آن رهایی از هلاکت است. در مصباح المنیر آن را به معنای خالص شدن،و ناب شدن است. (فیتومی، ۱۴۰۵ ق، ۵۹۲)

نجاح

اکثر فرهنگ‌های لغت، نجاح را به رسیدن مقصود و دستیابی به مطلوب معنا کرده‌اند. نجاح یعنی پیروزی بر نیازمندی (ابن قتیبه، ۲/۱۷۵)

از واژگانی که گفته شد نتیجه می‌شود که: ۱- واژه‌های فوز و فلاح، معادل‌های عربی رستگاری‌اند که به ترتیب کامل‌ترین معنا از رستگاری را ارائه می‌دهند و این واژه‌ها را می‌توان با هم مشترک معنوی دانست. ۲- باید گفت که واژه نجات، معنای کامل

رستگاری را نمی‌رساند و نجات یعنی رهایی از وضعیت نامطلوب، اما فوز به معنای رهایی از وضعیت نامطلوب و رسیدن به وضعیت مطلوب است. بنابر این نجات تنها نیمی از فرآیند رستگاری را بیان می کند (عسکری، ۱۴۰۰ ق: ۵۳۲)

۳- می توان گفت در میان واژگان مطرح شده سعادت از حوزه معنایی گسترده‌تری برخوردار است و بر خلاف رستگاری که همیشه در زبان دینی به کار می‌رود، در عرصه‌های اخلاقی و فلسفی نیز کاربرد دارد.

سعادت و رستگاری چیست؟

گاهی واژه سعادت مساوی با فلاح است. فلاح و مشتقات آن ۴۰ مرتبه و فوز ۲۹ مرتبه در قرآن ذکر شده که به طور مشخص در قرآن از ریشه فلاح واژه‌های (افلح،یفلح، تفلحوا تفلحون،یفلحون، مفلحین) به کار رفته و نیز از ریشه فوز واژه‌های (فاز،افوز،الفوز فوزاً، الفائزون، مفازهٔ، مفازتهم) در قرآن به کار رفته است. در فرهنگ عمید رستگار و رستگاری را به معنای آزادی، رهایی،آسودگی و نجات یافتگی گرفته است.

اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی رستگاری انسان ها را در قرآن بیان کرده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادتمندان واقعی و اخروی سخن نموده که البته رستگاری از هر دو بعدش، هم دنیوی و هم اخروی مدنظر بوده و از آنجا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیَت بیشتری برخوردار است.

از آنجا که خدای متعال رسیدن به کمال و سعادت را در اختیار انسان قرار داده و به مقتضای آیه" ثمَ السبیل یسَره "کار رسیدن به سعادت را سهل و آسان کرده است، حقیقت سعادت روح انسان جز ایمان و عمل صالح و خالص به دستورات خدا که از روی اراده و اختیار از او صادر شود، چیز دیگری نیست. شقاوت هم که در مقابل سعادت است، چیزی جز مخالفت با دستورات الهی نیست از روی عناد و لجاجت با خدا و انکار وجود او و قیامت و انبیاء و اوصیاء الهی می‌باشد.

علامه می‌فرماید: راه وصول به سعادت همان ایمان به خدا و عمل صالح است که از روی اراده و اختیار انسان صادر می‌شود و سعادت و شقاوت، ذاتی انسان نیست، بلکه امری است اکتسابی و این انسان است که یا سعادتمند می‌شود، یا اهل شقاوت. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق:، ۱۲/۱۸)

در ادیان و مذاهب دیگر نیز رستگاری به معنای عمومی سعادت، رهایی و نیکبختی، درهمه مذاهب مشترک است، اما تفاوت در روند حصول رستگاری و قلمروئی است که مذاهب برای دستیابی به آن برگزیده‌اند. پس آموزه رستگاری در میان معارف قرآنی دارای اهمیت ویژه‌ای است. دلیل این اهمیت را می‌توان در جایگاه و نقش آن به عنوان نتیجه دیگر آموزه‌های اعتقادی و عملی جستجو کرد. البته فراوانی کاربرد واژه‌های مرتبط با رستگاری نیز بیانگر همین واقعیت است.

شاخصه‌های رستگاری

ایمان

ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۶) ایمان تصدیق توأم با تسلیم و اطمینان خاطر است. (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ۷/۹۱) ایمان مفهومی جامع است و ماهیت آن تصدیق قلبی است. البته ایمان دارای متعلقات بسیاری است که ما در این نوشتار اهم آن را به اختصار بر می‌شمریم از جمله: ایمان به یگانگی خدا،ایمان به معاد؛ ایمان به پیامبران، ایمان به وحی ایمان به غیب،ایمان به ولایت و امامت.

باید به این نکته توجه داشت که ایمان فقط به گفتار نیست و همان‌طور که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: ملعون است،

ملعون، کسی که بگوید ایمان فقط گفتار است بدون عمل (کلینی ۱۳۶۲ ش: ۲/۴۰۹) مؤمنان یعنی تصدیق‌کنندگان به خدا و یگانگی او و پیغمبران او و آنچه نبی خاتم آورده. (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ ق: ۶/۱۰۸)

ایمان را می‌توان نخستین و مهم‌ترین مرحله برای رسیدن به رستگاری بر شمرد و تمام مراحل بعد وابسته به این مرحله، یعنی ایمان است.

خداوند در آیات ابتدائی سوره مؤمنون اشاره به صفاتی از ایمان و مشخصه‌های مؤمنین دارد. که این آیات از ابتدای سوره تا آیه یازده ادامه می‌یابد. خداوند در ابتدای این سوره از فعل ماضی در مورد اشاره به رستگاری مؤمنین استفاده می‌کند (قد افلح المؤمنون) که برای تأکید بیشتر بر رستگاری مؤمنین است و نشان دهنده این است که رستگاری آنان به قدری مسلَم است که گوئی قبلاً تحقق یافته و استفاده از کلمه (قد) این تأکید را دو چندان می‌کند و نیز تعبیراتی همچون خاشعون، معرضون راعون، یحافظون و... همه دلیل بر آن است که برنامه‌های مؤمنان راستین در این اوصاف برجسته موقتی و محدود نیست بلکه مستمر و دائمی است. (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۴/۲۰۳)

بنا بر مشخصه‌های مؤمنین در این آیات می‌توان قطعی بودن رستگاری ایشان، خشوع داشتن در نماز، روی گردان بودن از هر نوع لغوی، پرداخت کنندگان زکات، عفیف بودن، رعایت کنندگان عهد و امانت، مواظبین به نماز و وارثان بهشت بودن دانست.

شایسته است که در این فرصت اشاره مختصری به لزوم وجود شناخت و معرفت در تحقق ایمان داشته باشیم. در آیه ۲۸ فاطر خداوند می‌فرماید: یقیناً از بین بندگان خدا، تنها دانایان و دانشوران خدا ترس هستند. در این آیه، خشیت که از آثار ایمان است، برخاسته از علم و آگاهی به مقام خدا معرفی شده است. (امینی، ۱۳۸۶ ش: ۳۱۰) همچنین در این باب شهید مطهری می‌فرماید: یکی از ارکان زندگی بشر، این است که به چیزی ایمان داشته باشد و آن را حقیقت بپندارد و در برابرش تسلیم باشد. (مطهری، ۱۳۷۲ ش: ۴۷) بنابر این، استفاده صحیح از علم و آگاهی به مباحث دینی می‌تواند زمینه شناخت هر چه بهتر و ایمان هر چه قوی تر به خدا را فراهم آورد.

نتیجه آنکه مزین شدن نفس به جمیع مراتب ایمان (اعتقاد قلبی، اقرار زبانی، عمل کردن با جوارح و اعضاء) می‌تونند آدمی را در این دنیا و سرای آخرت سعادتمند کند و وی را از جمیع شرور حفظ نماید. علی(علیه السلام) درباره ارتباط ایمان و سعادت می‌فرماید: انسان به سبب ایمان به سوی مرتبه‌ی بالای نیکبختی و نهایت سرور و شادمانی بالا برده می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۹۸)

عمل صالح

هر کاری را که حیوان از روی قصد انجام می‌دهد، عمل نامیده می‌شود. (راغب، ۱۲۹۰ ش، ۵۸۷) و صالح از ریشه صلاح به معنای ضد فساد است (راغب، ۱۲۹۰ ش: ۵۸۷) عمل صالح، عملی است که در شرع به عنوان واجب یا مستحب معرفی شده و سالک از طریق انجام آن می‌تواندن سیر و سلوک کند و به مقام قرب نائل گردد. (امینی، ۱۳۸۶ ش: ۲۵۴)

در قرآن هر جا که صفات مؤمنان را بر می‌شمارد به دنبال ایمان، عمل صالح را ذکر می‌فرماید یعنی این دو با هم موجب خوشبختی انسان است. واژه عمل و مشتقات آن در بیشتر از ۳۰۰ آیه قرآن به کار رفته که از این تعداد ۱۱۰ مورد از عمل صالح به عنوان عامل رستگاری یاد شده است. عمل صالح به طور کلی عملی است که انجام آن، باعث مدح عامل آن می‌شود. البته این تعریف با افزودن قیودی می‌تواند به تعریفی نسبتاً جامع و مانع تبدیل شود این قیود عبارتند از: الف) مخالف احکام و دستورات پروردگار نبوده و مورد درخواست خدا باشد. ب) با فطرت و عقل سلیم سازگاری داشته و مخالف آن ها نباشد. ج) مصالح فردی و اجتماعی را تأمین کند و در حقیقت فایده اجتماعی و فردی داشته باشد.

از جمله اعمال صالح، پیش قدمی در کارهای خیر است "أُولَئِکَ یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ("مؤمنون/۶۱) البته باید متذکر شد که خیر و سعادت و برکت آن چیزی نیست که غرق شده‌گان در ناز و نعمت و غافلان مغرور به دنیا، می‌پندارند.
یکی دیگر از علل اهمیت اعمال صالح را می‌توان توفیق بهره‌مندی از بهشت و رضوان الهی، مشروط به انجام اعمال شایسته دانست؛ قرآن می‌فرماید: « ... فَمَن کَانَ یَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا ...» (کهف/۱۱۰) در آیه ۶۷ قصص، عمل صالح در کنار ایمان و توبه به عنوان یکی از راه های رسیدن به رستگاری شمرده شده و می‌فرماید:« فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَن یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ» از نگاه بسیاری از مفسرین تعبیر (عسی) در این آیه از آنجا که از شخص کریمی (خداوند تبارک و تعالی) صادر می‌شود، به معنای قطعی بودن سعادت است که البته این سعادت در گرو ماندگاری و دوام این حالت‌ها (توبه، ایمان و عمل صالح) است.

تقوا

در اندیشه دینی تقوا به معنای منع کردن نفس از هر گونه بدی و آلودگی و پیروی از دستورات الهی در تمام جهات زندگی است. تقوا را می‌توان وسیله‌ای برای هموار سازی راه رسیدن انسان به رستگاری و فلاح دانست. چرا که ایجاد وقایهٔ برای نفس و تزکیه آن از ناپاکی‌ها و رذائل اخلاقی انسان را به مقام فلاح می‌رساند.
در بسیاری از تفاسیر نیز به این مهم اشاره شده از جمله: صبر و تقوا اساس هر سعادتی است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ۷/۱۵۷)، تقوای الهی راه فلاح، فوز، نجات و کسب خیر دنیا و آخرت است. (زحیلی ۱۴۰۸ ق، ۷/۷۷)، قطعاً تقوای الهی سبب امید به فلاح است. (ابو حیان، ۱۴۲۰ ق: ۳/۳۰۴)، تقوی مجمع خیر و فوز و (رهایی) از هر شری است. (ابن عجیبه ۱۴۱۹ ق: ۲/۳۶) در قرآن آیات متعددی به موضوع تقوا پرداخته که در این جا به طور مختصر عرض می کنیم.
نقش تقوا در رسیدن انسان به پاداش عظیم و محو گناهان او (طلاق/۵)، معیار کرامت انسان به میزان تقوای اوست (حجرات/۱)، برترین توشه برای آخرت تقوا است (بقره/ ۱۹۷) و نیز در آیه ۲۰۰ آل عمران اشاره دارد که «شرط رسیدن به رستگاری آن است که استقامت، مصابره و مرابطه باید آمیخته با تقوا و پرهیزگاری باشد و از هرگونه خود خواهی، ریاکاری و اغراض شخصی به دور گردد.» (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ۳/۲۳۵)
در روایات نیز به رابطه تقوی و رستگاری اشارات فراوانی شده از جمله امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: تقوا درب هر توبه بوده و سرآغاز هر حکمتی می‌باشد و هر عملی با تقوا شرافت می‌یابد و هر کس از پرهیزکاران نجات یافته به وسیله تقوا بوده. (دشتی، ۱۳۷۲ش: ۵/۱۴۴)
خداوند در آیه ۱۰۲ آل عمران می‌فرماید: « یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ...» که در این فراز آیه، خدا مؤمنین را دعوت می کند تا حق تقوا را رعایت کنند و البته حق تقوا را هر کس به اندازه توان خود می‌توانند رعایت کند. امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: حق تقوا آن است که آدمی پیوسته فرمان خدا را اطاعت کند و هیچگاه او را معصیت ننماید و همواره به یاد او باشد در برابر نعمات او شکرگزار بوده و نعمت او را کفران و ناسپاسی ننماید (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/۱۹۴) بنابر این، عالی‌ترین درجه تقوا رعایت حق تقوای الهی است که مصداق بارز آن اهل بیت (علیهم السلام) هستند و البته شایان ذکر است که پس از نزول این آیه واعلام عدم توانایی صحابه از عمل به این آیه، خداوند آیه ۱۶سوره تغابن رانازل فرمود":فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ " برای تقوا ما در قرآن مصادیق متعددی داریم از جمله: منع نفس از طمع و بخل‌ورزی (حشر/۹)، روی‌گردانی از لغو(مؤمنون/۳)، پرهیز از شراب و قمار و بت‌پرستی (مائده/۹۰) پرهیز از رباخواری (آل عمران/۱۳۰)

نماز

از عوامل بسیار مهم رسیدن انسان به سعادت اخروی نماز می‌باشد. خداوند می‌فرماید":قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ("مؤمنون/۲-۱) در آیات ابتدائی سوره مؤمنون، صفات مؤمنین، ابتدا و انتهای آن با نماز است.

اسلام به نماز، اهتمام ویژه‌ای دارد به عنوان نمونه در بسیاری از روایات، ترک عمدی نماز، معادل کفر است و این عمل مهم عبادی در هیچ شرائطی قابل تعطیل شدن نیست.

قرآن نیز مؤمنان را به مراقبت همیشگی از نماز سفارش می کند و می‌فرماید": حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى ("... بقره/۲۳۸) و نیز در آیه ۹۲ انعام محافظت از نماز را جزو نشانه‌های ایمان به آخرت معرفی می کند..."وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ "و نیز در توصیف حال مجرمان، وقتی که بهشتیان علت حضور مجرمان در دوزخ را جویا می‌شوند، مجرمان اعتراف می کنند که « قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر/۴۳)

علمای اخلاق و سیر و سلوک همواره اعلام می‌دارند که اقامه نماز یکی از بهترین عوامل سیر و سلوک معنوی و تقرب الی الله است. بنابر این، انسانی که طالب سعادت است در مرتبه اول باید فرائض و واجبات را با کیفیت مشروع انجام دهد که اگر آنها را با اخلاص و حضور قلب انجام دهد بهترین وسیله برای تقرب به خدا راکسب کرده است.

نمونه های فراوانی از انسان های سعادتمند در تاریخ وجود دارد که عامل سعادتشان، رعایت کردن و مواظبت بر نماز اول وقت همراه با خشوع بوده است.

زکات

یکی از عوامل مهم سعادت در دنیا و آخرت مسأله زکات است «زکات شامل زکات شرعی، انفاق مال، صدقه و زکات فطرهٔ می‌باشد.» (مکارم، ۱۳۷۴ش:۲۰ /۱۹۶)

در آیه ۴ سوره مؤمنون، زکات دادن از شاخصه‌های مؤمنین و یکی از عوامل رستگاری به شمار آمده است. مطابق این آیات انسان برای رسیدن به سعادت غیر از توجه به نماز و اعمال عبادی باید به مسائل اجتماعی که از مهم‌ترین مصادیق آن زکات است توجه نماید. زیرا نماز رحمت جسمی و زکات زحمت گذشتن از مال دنیا را به همراه دارد و اثر آن جلا دادن به قلب و موجب نورانیت روح انسان می‌شود.

در تفسیر نمونه در مبحث زکات آمده که: مفاسد و آلودگی‌هایی که در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه به وجود می‌آید، با انجام این فریضه الهی (زکات) برچیده شده و صفحه اجتماع را از این آلودگی‌ها پاک می‌سازد و نیز همبستگی اجتماعی و پیشرفت اقتصادی در سایه این‌گونه برنامه‌ها تأمین می‌شود. در آیات متعددی زکات دادن از عوامل ایمان و نیکوکاری دانسته شده است همچون آیه ۴ سوره لقمان: (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ)

امر به معروف و نهی از منکر

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌فرماید":وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِوَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِوَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ "از این آیه مستفاد می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر به طور مستقل به سعادت انسان منتهی می‌شود. البته این کار شرائطی دارد که با وجود آن شرائط بر فرد واجب می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر نماید. (عاملی، ۱۳۶۰ ش ۲/۱۵۴)

امت در اصل از ماده (ام) و به معنی هرچیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیم گردد و به همین جهت (امت) به جماعتی گویند

که جنبه وحدتی در میان آنان باشد. خواه وحدت از نظر زمان یا مکان و یا هدف باشد. خداوند پیش از آیه ۱۰۴ آل عمران مردم را به تقوا و خودسازی دعوت و سپس به وحدت و همبستگی فرا می‌خواند و در آیه ۱۰۴ آل عمران، مسئولیتی خطیر را بر عهده مسلمانان می‌گذارد که رعایت آن موجب حفظ طهارت آحاد جامعه و اتحاد می‌شود و آن دعوت به خیر و نظارت همگانی بر جامعه به منظور رعایت ارزش‌ها و دوری از ضد ارزش‌هاست. وحدت کلمه بر محور کلمه توحید بارزترین مصداق معروف و تفرقه و اختلاف بارزترین مصداق منکر است و نیز در این آیه خداوند اشاره به دعوت به خیر می‌کند، که دعوت به خیر از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر و از احکام بین‌المللی اسلام است لکن امر به معروف و نهی از منکر از برنامه‌های داخلی حوزه اسلامی است. یعنی عده‌ای باید جامعه جهانی را به خیر دعوت کنند و در داخل حوزه اسلامی نیز با نظارت بر همگان از پیدایش فساد و آلودگی در ابعاد مختلف جامعه جلوگیری کنند.

علی (علیه السلام) در باب امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان در برابر دریاهای پهناور است. (شریف رضی، ۱۳۷۹ش: حکمت ۳۷۴)

در قرآن امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به ۵ مرحله تقسیم کرد.

اخلاص در عبادت

یکی از عوامل که می‌تواند انسان را به رستگاری برساند اخلاص در عبادت است. فوز و نجات فقط وابسته به اخلاص در عبادت است که (فوز و نجات) فقط با درخواست از خداوند حاصل نمی‌گردد (ابن قیم، ۱۴۱۰ ق: ۲۵۳) در آیات ۶۱-۳۹ سوره صافات، خداوند به مقام والا و با عظمت افرادی اشاره می‌کند که مورد تکریم و انعام خاص خدا هستند و به عنوان الگو برای سایرین معرفی گردیده‌اند تا ملاک عمل خالصانه برای همه افرادی باشند که می‌خواهند از انواع رزق، نعمت و کرامت حق در دنیا و آخرت برخوردار شده و به مقام فوز عظیم نائل گردند. محور همه این موارد اخلاص در عبادت بوده و لازمه رسیدن به آن مقام، خلاص و رهایی یافتن از هر آن چیزی است که غیر خدا باشد.

نکته دیگری که شایان ذکر است این است که برخی (مبین) بودن فوز که یکی از مراتب فوز است را عبارت از خلوص فوز از شرائب مادی و معنوی دانسته‌اند همچون (ذلک هو الفوز المبین) فوز مبین زمانی است که خالص از شوائب بشود. (قمی، ۱۳۸۲ ش: ۱۲/۲۶۳- سبزواری، ۱۴۰۶ ق: ۶/۴۲۰ – مجلسی، ۶۴/۴۹)

توسل

حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خداست به این که اولاً به احکام او علم پیدا کنی و در ثانی به بندگی او بپردازی و ثالثاً در جستجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی. (راغب، ۱۲۹۰ ش: ۵۲۴)

استفاده از وسیله برای تقرب به خدا که در آیه ۳۵ سوره مائده به آن اشاره شده "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَهَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ "مؤمنینی را که به تقوای الهی و توسل جستن و جهاد در راه خدا متصوف هستند را به رستگاری نوید می‌دهد. علامه طباطبائی ذیل این آیه می‌فرماید: وسیله نوعی توصل است در مورد خدا که منزه از مکان و جسم است و توصل معنوی و پیدا کردن رابطه‌ای است که بین بنده و پروردگارش هیچ رابطه‌ای به جز عبودیت نیست قهراً وسیله عبارتست از اینکه انسان به حقیقت عبودیت دست یابد و به درگاه خدا وجهه فقر و مسکنت به خود گیرد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۵/۳۲۸)

وسیله به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است و این کلمه از نظر معنا خصوصی‌تر از کلمه وصیله است (راغب ۱۲۹۰ ش: ۵۱۳) و برخی گفته‌اند مقصود، توسل به ائمه است که در نزد خدا صاحب آبرویند و دست به دامن ائمه شدن برای تقرب به

خدا می‌باشد.

بنـابر این، می‌توان گفت، وسیله در آیه فوق، معنی بسیار وسیعی دارد، و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شـدن به پیشگاه پروردگار شود را شامل می‌شود. از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به: ایمان به خدا و پیامبر، جهاد، عبادات، صـله رحم، انفاق در راه خدا و نیز شـفاعت پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن، موجب تقرب به پروردگار می‌گردد،اشاره کرد. و نیز بایـد به پیروی از پیـامبر و امـام نیز اشاره کرد و حتی سوگنـد دادن خـدا به مقام والای پیامبران و امامان و صالحان که نشانه علاقه به آن ها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد جزء مفهوم وسیع، وسیله قرار می‌گیرد.

توبه

یکی از مهم‌تریـن عـواملی کـه مـوجب سـعادت و ارتقـای آدمی بـه مقـام قرب الی الله می‌شـود، تـوبه است. خداونـد در آیه ۳۱ نور می‌فرمایـد... ":وَتُوبُوا إِلَی اللَّهِ جَمِیعًا أَیُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ "در این آیه خـدا بعـد از تـذکرات و دسـتوراتی که در مورد حفظ عفت به مردان و زنان مؤمن می‌دهد، می‌فرماید در هر جایی که مخالفت این احکام را نمودید، توبه کنید و از مخالفت با اوامر الهی به موافقت بازآیید که رستگاری شما را حاصل خواهد داشت.

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده: اگر در گذشـته کارهای خلافی انجام داده‌اید اکنون که حقایق احکام اسلام برای شما تبیین شد از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و فلاح، به سوی خدا آیید که رسـتگاری تنها بر در خانه اوست، و بر سـر راه شما لغزشگاه هـای خطرنـاکی وجود دارد که جز بـا لطف او نجـات ممکن نیست، خود را به او بسـپارید. (مکـارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۴/۴۴۲) بنابر این، کسـی که می‌خواهد به سـعادت برسد، در مرحله اول باید از تمام گناهانی که مرتکب شده توبه کند و آن توبه براساس آیه ۸ سوره تحریم "یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا "...بایـد توبه نصوح باشـد و تصـمیم قاطع بگیرنـد که دیگر به سـراغ معصیت نروند و قطعاً بر اساس همین آیه که در ادامه‌اش وعده بخشـش گناهان و ورود به بهشت و رسـتگاری را به توابین داده، توبه آنان را می‌پـذیرد و آنان را به رسـتگاری می‌رسانـد؛ نیز در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: (یا من وعـده صـدق) که به معنی آن است که ای کسـی که وعـده او راست است. و نمونه این آیه نیز در آیه ۶۷ سوره قصـص آمده که": فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَی أَن یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ "که نشانه از این است که توبه و انـابه از گناهـان گذشـته و اطـاعت از فرامین الهی گـام مهمی برای رسیدن به هدف متعالی انسان یعنی سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد.

وفای به عهد و امانت

یکی از صفاتی که برای مؤمنان رستگار در ابتدای سوره مؤمنون مطرح شده همین وفای به عهد و امانت است".وَالَّذِینَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ "حفـظ و ادای امـانت و هم‌چنین پایبنـد بودن به عهـد و پیمـان در برابر خـالق و خلق از صـفات بـارز مؤمنان است. (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۳/۱۹۹) و نیز علامه طباطبائی می‌فرمایـد: امانات شامل تمامی تکالیف الهی که در بشـر به ودیعه سپرده شـده و نیز اعضاء وجوارح و قوای بشری و هر نعمت و مالی است که به آدمی داده شده می شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۱۱)

اگر افراد یـک جـامعه پایبنـد به عهـد و پیمـان باشـند و امـانت داری از ویژگی‌های آن ها محسوب شود، بسـیاری از مشـکلات حل می‌شود از جمله یکی از آن امانـات اجتمـاعی می‌توان به واگـذاری مسـئولیت هـای اجتماعی به افراد نام برد که اگر همگان به ادا و حفظ این امانت اهتمام ورزند، جامعه دچار بی‌نظمی و هرج و مرج نشده و به سـرعت پیشـرفت می‌کند البته در بعضی تفاسیر، منظور از امـانت را فرزنـدان و یا زنان (نجفی خمینی، ۱۲۹۸ ق: ۱۳/۲۷۴) یـا امامت ائمه (مکارم، ۱۳۷۴ ش: ۱۴/۲۰۰) و یـا مطلق ولایت و حکومت دانسته‌اند.

انفاق

انفاق و دستگیری از محرومان، یکی از برترین کارهاست که خیر و پاداش فراوان به همراه دارد. در همین زمینه خداوند در آیه ۱۷ و ۱۶ سوره مبارکه سجده، نماز شب و شب زنده‌داری و انفاق در را خدا را دو عملی می‌داند که پاداش آن، از تصور انسان خارج است و نیز در آیه ۳۸ سوره روم نیز به اهل انفاق وعده رستگاری داده شده":فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ"

علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: ذی القربی به معنای صاحب قرابت از ارحام است و مقصود خویشاوندان می‌باشد و مسکین کسی را گویند که از فقیر بد حال تر باشد و ابن سبیل مسافری را گویند که در راه مانده و حاجتمند است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/۱۸۵)

در این آیه شریفه دو نکته وجود دارد، نخست اینکه، انفاقی به رستگاری انسان می‌انجامد که از عنصر (اخلاص) برخوردار باشد و نیز نکته دوم اینکه در (فأت ذالقربی حقّه) لفظ (حقّه) آمده که نشان دهنده شریک بودن خویشاوندان در اموال انسان است و اگر انسان مالی به آن ها می‌بخشد، در حقیقت، حق آنان را ادا می‌کند و منتی بر گردن آن ها ندارد. البته در باب انفاق بحث بسیار است از جمله آیاتی که در فضیلت انفاق کردن اهل بیت به محرومان آمده همچون آیه۵۵ سوره مائده که در فضیلت علی (علیه السلام) است و... که مجال بحث در اینجا نیست.

یاد خدا و نعمات او

انسان می‌تواند با یاد کردن همیشگی خداوند زمینه رستگاری خویش را آماده سازد. قرآن می‌فرماید... ":وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ("جمعه/۱۰، انفال/۴۵) همچنین قرآن برای معرفی افراد فائز در سوره حشر، ابتدا هشدار می‌دهد که مبادا از کسانی باشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن ها را به فراموشی از خودشان گرفتار کرد و اینگونه افراد فاسق و گنهکارند".وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ("حشر/۱۹) و سپس می‌فرماید": لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ("حشر/۲۰) سیاق آیه فوق به خوبی نمایانگر این است که مقصود از (اصحاب النار) فراموش کنندگان خدا و مقصود از (اصحاب الجنّة) یادکنندگان خدا و اهل مراقبت از خویشتن هستند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۲۸) بنابراین آیاتی نظیر آیات فوق دلالت بر اهمیّت ذکر خدا و مناجات با او برای سعادتمندی و رستگاری در زندگی دارند. علامه طباطبائی ذیل آیه ۱۰ سوره جمعه می‌فرماید: منظور از ذکر در اینجا اعم از ذکر زبانی و قلبی است و در نتیجه شامل توجه باطنی به خدا نیز می‌شود وقتی انسان زیاد به یاد خدا باشد، این یاد خدا در نفس آدمی رسوخ می‌کند و در ذهن نقش می‌بندد و عوامل غفلت را از دل ریشه کن ساخته، باعث تقوای دینی می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۷۴)

قطعاً هنگامی که نام خدا برده شود در قلب انسان عظمت، قدرت،علم و حکمت متجلّی می‌گردد زیرا که او دارای اسماء حسنی و صفات علیا و صاحب تمام کمالات و منزه از هر گونه عیب و نقص است. توجه مداوم به چنین حقیقتی، روح انسان را به نیک‌ها و پاکی‌ها سوق می‌دهد و از بدی‌ها و زشتی‌ها پیراسته می‌گرداند. یاد او، یادآوری مراقبت اوست، یاد حساب و جزای اوست و چنین یادی است که جان را صفا و دل را نور و حیات می‌بخشد.

در باب یادآوری نعمات الهی نیز باید گفت که دامنه نعمات الهی به قدری وسیع است که به تعبیر قرآن قابل شمارش نیست: ..."وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا (".نحل/۱۸)

پروردگار در آیه‌های فراوانی مردم را به یادآوری نعمات فرا می‌خواند و می‌فرماید ":يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ("...فاطر/۳) همچنین در سوره الرحمن نیز بارها خطر تکذیب نعمات الهی را گوشزد می کند و می‌فرماید": فبایَ آلاء ربّکما تکذّبان)

در قرآن یکی از ثمرات یادآوری نعمات الهی رستگاری معرفی می‌شود. خداوند در آیه ۶۹ سوره اعراف می‌فرماید ... ":فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ."

زهد و عدم دلبستگی به دنیا

دلبستن به زخارف مادی و زرق و برق‌های دنیوی و دلبستگی به آن، موجب دلبستگی انسان به ملك و دوری از ملکوت می‌شود. مبارزه با تمایلات نابجای نفس باعث می‌شود که انسان بتواند از عالم و ملك جدا و به طرف عالم ملکوت پرواز کند. قرآن می‌فرماید...": وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ("حشر/۹، تغابن/۱۶) علامه می‌فرماید: هرکس که خدا او را از شرتنگ چشمی و بخل حفظ فرموده، در نتیجه نه خودش از بذل مال مضایقه دارد و نه از اینکه دیگران مال‌دار شوند ناراحت می‌شود، چنین کسانی رستگارند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۲۰۶)

در آیه ۹۶ سوره نحل خداوند می‌فرماید": مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" آنچه در زندگی دنیا که یك زندگی مادی و قائم بر اساس تحول و دگرگونی است،و قوامش بر اساس حرکت و تغییر زوال است در دست شما است مانند همهٔ دنیا دستخوش زوال است، و آنچه نزد خدا است و آن را به خصوص به پرهیزکاران وعده داده باقی است و زوال و فنا نمی پذیرد و هر عاقلی می‌داند که باقی بهتر از فانی است. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲/۳۳۹)

تمسک به قرآن

خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید ... ":فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" از این آیه شریفه استفاده می‌شود که قرآن سراسر نور و روشنگر راه رستگاری است و تمسک به آن موجب هدایت و رستگاری انسان می‌شود. باید توجه داشت که قرآن ما را به استوارترین راه ها هدایت می کند". إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ("اسراء/۹) علامه طباطبائی ذیل آیه می‌فرماید: یعنی این قرآن هدایت می کند به سوی دینی که اقوم از هر دین و مسلط تر بر اداره امور شر است و همچنان که در جای دیگر فرموده" قل انَنی هدانی ربَی الی صراط مستقیم دیناً قیماً ("طباطبائی ۱۴۱۷ ق: ۱۳/۴۶) قرآن، کتابی است عزیز و ارجمند که باطل را مطلقا در آن راهی نیست، از جانب خدای کریم ستوده نازل شده و برای عالمیان تذکر و بیداری است، حقایق و امثال آن به صورت های گوناگون بیان گردیده تا مردم متذکر و بیدار گردند. کتابی است عظیم، مجید، مبین و کریم که جن و انس از آوردن نظیر آن عاجزند. قرآن تنها کتابی است که راه های سعادت را نشان می‌دهد و عمل به دستورات آن ضامن سعادت انسان است و بدین جهت یکی از بزرگترین وظائف مسلمین در حال حاضر ترویج تعلیم و روآوردن به قرآن است. و نیز پیامبر اکرم می‌فرماید": اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللَیل المظلم فعلیکم بالقرآن ("کلینی، ۱۳۶۲ ش: ۴/باب فضل قرآن) در هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریك به شمار می‌آورند به قرآن پناه ببرد. سخن در باب تمسك به قرآن و اثرات آن و عظمت قرآن بسیار است لکن متأسفانه مجال بحث در این نوشتار نیست.

تزکیه نفس

خداوند در آیه ۹ سوره شمس می‌فرماید":قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا "به یقین رستگار شد کسی که به تزکیه نفس پرداخت. خداوند پس

از اینکه در سوره شمس به آفریده‌های بزرگ و مهمی چون خورشید، ماه و... قسم یاد نمود، این آیه فوق را فرموده، که این نشانگر اهمیَت پیراستن جسم و جان از ناپاکی‌هاست که در نتیجه آن رستگاری نصیب آدمی می‌شود.

آنگاه که انسان نفس خود را پاکیزه کرد و آن را از صفات حیوانی مبرَا نمود، آنچه خیر و مایه رستگاری اوست از جانب خدا به وی الهام می‌گردد. (بانو امین، ۱۳۶۷ ش: ۴/۱۵۰) خداوند در آیه ۱۴ سوره اعلی نیز می‌فرماید": قد افلح من تزکَی "یعنی یقیناً کسی که پاکی جست، رستگار گشت.

بنابراین هرکس در مقام مجاهده با نفس برآید سعادتمند گشته و قابلیت سکونت در جوار رحمت الهی را که همانا کمال خوشبختی است پیدا می‌کند. و بی‌گمان خدا در قلبی حضور دارد که پاکیزه و از ویژگی‌های ناشایست به دور باشد و چه رستگاری از این بالاتر که جان انسان، پاکیزه و خدا در آن حاضر باشد. راغب درباره تزکیه می‌گوید: (از نظر لغوی) به معنی نمو و رشد است. ولی در اصطلاح علمی معنی وسیعی دارد فلذا تفسیرهای گوناگون از آن کرده‌اند مثل:پاکسازی روح از آلودگی شرک، پاکسازی از اخلاق رذیله، پاکسازی عمل از محرمات، پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا است. اگرچه تمام این تفاسیر ممکن است در معنا گسترده آیه (قد افلح من تزکَی) جمع باشد ولی آیه صراحت دارد به این مطلب که یکی از عوامل رسیدن به سعادت، تزکیه است.

پیروی از خدا و رسول

در آیه ۱۳ سوره نساء خداوند می‌فرماید": تِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن یُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ یُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ "که از این آیه چنین برداشت می‌شود که ملتزم بودن به احکام اسلامی و پیروی از خدا و رسول مایه سعادت و رستگاری انسان است. تفسیر انوار درخشان در ذیل این آیه می‌نویسد: «حدود، عبارت از احکام الهی است که انتظام زندگی فرد و اجتماع بر آن ها استوار است. مانند: رعایت بر ایتام و کودکان بی‌سرپرست، احکام و وصیت و دین که رعایت حقوق فرد و اجتماع و انتظام معیشت به آن ها وابسته است. از این‌رو به وسیله التزام به احکام اسلامی می‌توان راه سعادت را پیموده و هنگام رستاخیز نیز به نعمت‌های جاوید متنعم بود و رستگاری همانا خشنودی و کرامت نزد پروردگار است.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۳/۳۶۶)

خداوند در سوره نور به صفتی از مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید ":إِنَّمَا کَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِینَ إِذَا دُعُوا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ أَن یَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ("نور/۵۱) سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و این همان رستگاران واقعی هستند. علامه می‌فرماید: آری، مقتضای اعتقاد قلبی بر پیروی آنچه خدا و رسولش حکم می‌کنند همین است که دعوت خدا و رسول را لبیک گویند نه این که آن را رد کنند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۱۴۸)

و نیز خداوند در آیه بعد (نور/۵۲) به یک قانون کلی اشاره می‌کند و آن این است که هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و خشیت و تقوای الهی داشته باشد قطعاً وی رستگار است. همچنین خداوند در آیه ۲۷ فرقان می‌فرماید": وَیَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَی یَدَیْهِ یَقُولُ یَا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا "این آیه در بردارنده این پیام است که پیامبران،ارائه دهنده راه و روش زندگی سعادتمندانه مردم هستند. فلذا همراهی با آن ها موجب سعادت افراد خواهد بود. چرا که خداوند پیامبران را برای هدایت مردم برگزید و وحی خود را مخصوص آنان کرد و آنان برای تعلیم و تزکیه مبعوث شده‌اند و آمده‌اند که ریشه جهالت را بخشکانند و با پرورش روح آدمی وی را به کمال برسانند.

صبر

در قرآن آیات متعددی در باب صبر وجود دارد همچون آیه ۶۰ سوره روم که خداوند پیامبر را به صبر و پرهیز از خشونت در مقابل کسانی که به خدا و پیامبر و روز قیامت یقین ندارند توصیه می‌فرماید. و نیز در آیه ۲۴ سوره سجده، علت پیشوا و مقتدا شدن پیامبران و امامان و رسیدن به مقام مقتدا شدن برای هدایت مردم را صبر می‌داند و نیز در آیات دیگری چون (زمر/۱۰، قصص/۵۴ و نحل/۹۶) برخورداری بی‌حد و حصر از اجر و ثواب الهی را در صبر کردن می‌داند و نیز در آیه ۱۱۱ سوره مؤمنون خداوند اشاره می کند که": إِنِّی جَزَیْتُهُمُ الْیَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ "که صبر در برابر سختی‌ها و تمسخر و شکنجه کافران که در آیات قبل مطرح شده جزایش به حدی عظیم است که خداوند اشاره می‌فرماید همانا من جزای آنان را خواهم داد و آن جزایی که فقط میزان آن را خدا می‌داند و می‌دهد.

در سوره آل عمران آیه ۲۰۰ خداوند می‌فرماید":یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ "اکمال انسان به آن است که آنچه در فطرت و نهاد دارد به عرصه ظهور درآورد و عبارت از خداشناسی و اخلاق نیک و کردار شایسته است که فطرت نیز آن را رهبری می‌نماید و رسیدن به این هدف که سبب انتظام زندگی فرد و اجتماع است بر صبر و بردباری استوار است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق: ۳/۳۰۸) به هر حال از آیه ۲۰۰ سوره آل عمران استفاده می‌شود که صبر و مقاومت و تحمل مشکلات در راه دین چه فردی و چه جمعی دارای نقش اساسی در سعادت انسان و نیل به مقام والا در پیشگاه الهی است و دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم سرائی است موقت که در آن بزرگانی چون انبیاء و ائمه راه بهشت و جهنم را به ما معرفی کرده و ما را به رفتن به بهشت تشویق کرده و از این که به طرف جهنم گام بر می‌داریم بر حذر داشته‌اند.

زمانی که فردی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره ایمان سؤال کرد ایشان فرمودند: (آن، صبر است) که این نشان از اهمیَت جایگاه صبر می‌باشد. خداوند در سوره بقره آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ اشاره به صفات صابران می‌فرماید و در انتهاء به آنان صلوات و درود و رحمت خویش را نثار می‌فرماید": اولئک علیهم صلواتٌ من ربهم و رحمهٔ "و نیز در آیه ۴۶ سوره انفال، خدا به صابران مژده همراهی خود با آنان را می‌دهد... ": وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِینَ"

جهاد

خداوند در چندین آیه بعد از بیان جهاد در راه خدا با جان و مال وعده رستگاری داده است". یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَجَاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ("مائده/۳۵) و نیز در آیه ۸۸ توبه می‌فرماید":لَکِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ"پیامبر و آن هایی که به همراه او ایمان آوردند با مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند همه نیکی‌ها برای آنان است و گروه رستگاران همین‌ها هستند.

همچنین پایداری در مقابله با دشمن و مراقبت کار دشمن نیز از عواملی است که نتیجه آن رسیدن به سعادت می‌باشد، در سوره انفال می‌فرماید":یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیتُمْ فِئَهً فَاثْبُتُوا وَاذْکُرُوا اللَّهَ کَثِیرًا لَّعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ("انفال/۴۵) دشمن‌شناسی مسئله مهمی است که انسان در همه دوران باید مورد توجه قرار دهد و با توجه به شناختی که از دشمن پیدا کرده به تدبیر امور بپردازد و راه های مقابله با او را کشف کند و نقاط ضعف و قوت او را بشناسد تا هرگز مغلوب دشمن نشود".یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ("آل عمران/۲۰۰) از این آیه شریفه برداشت می‌شود که یکی از عوامل سعادت فرد و جامعه، مراقبت و محافظت کردن از مرز های عقیدتی، فرهنگی،اجتماعی و جغرافیایی اسلام است. تفسیر نمونه ذیل این آیه آورده: مرابطه به معنای مراقبت از مرزها آمده است... این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سر حدات کشورهای اسلامی می‌دهد، تا هرگز گرفتار حملات غافل گیرانه دشمن نشوند و نیز به آن ها دستور آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش می‌دهد، تا غافل گیر نگردند. لذا در بعضی از روایات از علی(علیه السلام) این جمله،

به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری تفسیر شده... خلاصه این که مرابطه معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود (مکارم، ۱۳۷۴ ش ۳/۲۳۴)

تولی و تبری

یکی از مهم ترین بخش‌های فروع دین تولی و تبری است. که تولی به معنای دوستی با دوستان خدا و افرادی که در مسیر الهی گام می‌نهند و تبری یعنی بیزاری و دشمنی با دشمنان خدا و آنها که به عمد پا در مسیر شیطان می‌گذارند. خداوند در آیه ۲۲ سوره مجادله می‌فرماید":لَّا تَجِدُ قَوْمًا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ یُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ کَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِیرَتَهُمْ أُولَئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمَانَ وَأَیَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ... أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ "که در این آیه شریفه ابتدا خداوند اهمیَت تبری و عدم تولی با دشمنان خدا و پیغمبر را می‌فرماید تا جایی که ایمان را در عدم تولی با دشمنان می‌داند و برای این عدم تولی هیچ مرزی را هم قائل نیست و باید تبری جست از دشمنان خدا حتی اگر نزدیکترین و وابسته‌ترین افراد چون پدر، فرزندان، برادران و یا خویشاوندان باشند. و در ادامه آیه می‌فرماید": اولئک کتب فی قلوبهم الایمان "کسانی که به عدم تولی با دشمنان خدا روی می‌آورند آن ها ایمان بر صفحه قلبشان حک شده و در واقع خدا بر دل اینان مهر ایمان به مبدأ و معاد زده و جلوه این ایمان، تولی و تبری می‌باشد. و همان طور که پیشتر گفتیم این مؤمنان در هنگام دعوت خدا و رسولش برای اجرای قوانین الهی فقط می‌گویند: (سمعنا و اطعنا) که این اوج شیفتگی مؤمنان به خدا و پیامبرش را می‌رساند. و در نهایت صاحبان رستگاری را اینان معرفی می‌نماید..."اولئک حزب الله الا انَ‌حزب الله هم المفلحون "و این آیه دلالت بر اهمیت عقیده و باور می‌کند به گونه‌ای که وقتی انسان به خدا ایمان آورد دیگر دشمنان خدا را به دوستی بر نمی گزیند.

رضوان الهی

آخرین و برترین درجه فوز و رستگاری، رضوان الهی است که به معنای رضایت خدا از بندگان و رضایت بندگان از خدا است و این منتها درجه آرزوی هر عارفی است و تمام مسیرهای سیر و سلوک الهی به رضوان الهی ختم می‌شود. خداوند در آیه ۷۲ سوره توبه می‌فرماید":وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَمَسَاکِنَ طَیِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَکْبَرُ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ "که وقتی در این آیه خداوند مؤمنین مرد و زن را به پاداش‌های بهشتی وعده می‌دهد در انتها می‌فرماید اما رضوان الهی از همه این ها عظیم‌تر و بزرگ‌تر است و این را فوز عظیم می‌داند. رضوان الهی مبدأ هر سعادت و کرامت و موجب وصول به لقاء الهی است (ابن عجیبه ۱۴۱۹ ق: ۲/۴۵) علامه طباطبائی نیز می‌فرماید: بزرگترین سعادت و رستگاری برای یک نفر عاشق و دوستدار این است که رضایت معشوق خود را جلب نماید، بدون اینکه درصدد ارضاء نفس خویش بوده باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۹/۳۳۹)

و نیز خداوند در آیه ۱۱۹ سوره مائده وقتی پاداش افرادی را که در دنیا پیرو انبیاء بوده‌اند را بهشت معرفی می‌نماید در انتها می‌فرماید ایشان کسانی هستند که خدا از آن ها راضی و آن ها نیز از خدا رضایت دارند و آن ها همان رستگار هستند.

نتیجه

توجه به واژگانی که در مفهوم رستگاری و نجات در قرآن به کار رفته، نشان دهنده این است که نجات انسان منحصر به ایمان به مبدأ و معاد و عمل صالح است و آنچه در آیات بیان گردیده، مصادیق اعمال و تعیین حدود این ایمان است که به اخلاص، عبودیت محض پروردگار از طریق اطاعت بی‌چون و چرا از دستورات وی و در انتها رضوان الهی خاتمه می‌یابد.

بنابر این، باید گفت که حقیقت سعادت، رسیدن انسان است به هدف نهایی و کمال واقعی که عبارت است از: قرب الی الله وهرگاه انسان به آن مرحله عظیم برسد، قطعاً روح او دارای بهجت و سروری می‌شود که هیچ شادمانی و سروری به منزلت آن نخواهد رسید و در عالم آخرت نیز در جوار ذات الهی متنعم به نعمت‌هایی می‌شود که هیچ گوشی نشنیده و هیچ چشمی ندیده و بر دل هیچ‌کس خطور نکرده است و سعادت مطلق، محل بروز و ظهورش جهان آخرت است، و در نهایت باید گفت که رسیدن به کمال و سعادت نه تنها ذاتی انسان نیست، بلکه امری است اختیاری و باید هر کسی با اعمال خود و به طور آگاهانه و براساس انتخاب راه صحیح آن را بدست آورد.

فهرست منابع

۱- قرآن کریم

۲- ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمان بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتاب العربی، تحقیق: عبد الرزاق المهدی،چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۳- ابن عجیبه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، حسن عباس زکی،تحقیق، احمد عبدالله قرشی رسلان، ۱۴۱۹ ق.

۴- ابن عربی، ابو عبد الله یحیی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۵- ابن عطیه اندلسی، عبد الرزاق بن غائب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت،دارالکتب العلمیة تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۶- ابن فارس، احمد، مقاییس اللغة، مصر، ۱۴۰۴ ق.

۷- ابن قتیبه،عبدالله بن مسلم، غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

۸- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، مکتبة الهلال، ۱۴۱۰ ق.

۹- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.

۱۰- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، تحقیق: محمد جمیل صدقی، ۱۴۲۰ ق.

۱۱- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، ۱۴۰۸ ق.

۱۲- امینی، ابراهیم، خودسازی، قم، نشر شفق، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.

۱۳- انیس ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط،تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.

۱۴- بانوی اصفهانی،سیده نصرت امین،مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۷ ش.

۱۵- بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیة، تصحیح محمد علی شاهین، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

۱۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و دررالکلم، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۱۷- حسینی شیرازی، سید محمد، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ ق.

۱۸- حسینی همدانی، سید محمد حسین، تفسیر انوار درخشان،تهران، لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۱۹- دشتی، محمد، نهج الحیاة، قم، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ۱۳۷۲ ش.

۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم، نوید اسلام، ۱۲۹۰ ش.

۲۱- زحیلی، وهبهٔ بن مصطفی، التفسیر المنیر فی القعیدهٔ و الشریعهٔ و المنهج، بیروت و دمشق، دارالفکر المعاصر،چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.

۲۲- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

۲۳- سمرقندی، نصربن محمد بن احمد، بحرالعلوم، بی‌تا، بی‌جا.

۲۴- شبَر، سیدعبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالبلاغهٔ للطباعه و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۲۵- شریف رضی، نهج‌البلاغه با ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۲۶- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر،دارالله الطیب،چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۲۷- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی،جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.

۲۸- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاهٔ، بی‌تا

۲۹- طبرسی، محمدب ن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی،تحقیق: شیخ آقابزرگ تهرانی و احمد قصیر عاملی، بی‌تا.

۳۰- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ ش.

۳۱- عبد الباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس، بی‌تا، بی‌جا.

۳۲- عسکری، حسین بن عبد الله، الفروق فی اللغه، بیروت، دارالآفاق الجدیدهٔ، ۱۴۰۰ ق.

۳۳- عکبری، عبدالله بن حسین،التبیان فی اعراب القرآن، عمان و ریاض، بیت الافکار الدولیهٔ، بی‌تا.

۳۴- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران،انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش.

۳۵- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۳۶- قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.

۳۷- فیومی، مصباح المنیر، قم، ۱۴۰۵ قم.

۳۸- قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، تصحیح: سید صادق میرشفیعی، قم، انتشارات مسجد جمکران چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.

۳۹- قمی مشهدی،محمدبن محمد رضا، تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.

۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه،چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.

۴۱- مصباح یزدی، محمد تقی، به سوی خودسازی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۰ ش.

۴۲- مطهری، مرتضی، حکمتها و اندرزها، تهران – انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.

۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از دانشمندان، تفسیر نمونه، تهران،دارالکتاب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۴۴- موسوی سبزواری، سیدعبدالاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل البیت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

۴۵- میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.

۴۶- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.

درباره مرکز تحقیقات رایانهای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».